

با ما در ارتباط باشید

رایانامه info@shahrara.com
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
پیام رسان
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۱-۵

شهرک‌های صنعتی

۲۹۶...۰۹۱۵ وضعیت آسفالتت خیابان های شهرک صنعتی طوس خیلی خراب است. لطفا رسیدگی کنید.

سازمان اتوبوس رانی

۳۴۴...۰۹۳۰۰ خواهش می کنم به خط ۰۷ رسیدگی کنید. اتوبوس های فرسوده را از خط جمع کنید و به جایش اتوبوس های ۴۰۷ کولر دار جایگزین کنید.

سازمان سنجش

فربیا عباسی) لطفا از سازمان سنجش پیگیری کنید که ثبت نام استخدامی دستگاه های اجرایی را تمدید کنند. من کافی نت بودم و دیدم سایت مشکل پیدا کرده بود. از طرف دیگر برخی از مردم از زمان ثبت نام دیر مطلع شده اند.

دولت

۳۰۱...۰۹۰۱ چون کارمندان موبایل شخصی دارند به تلفن اداره جواب نمی دهند. کم کاری غوغا می کند. از طرح تکریم ارباب رجوع خبری نیست. همه دستگاه ها مبتلا هستند. کار کردن مرده!

بیمه

شهروند) بنده از کار افتاده تامین اجتماعی هستم که با حساب افزایش حق مسکن و معیشت قرار بود حدود ۷۰۰ هزار تومان افزایش حقوق داشته باشم اما سازمان حتی با احتساب این ۲ گزیننه اجرای هسان سازی حدود ۲۴۰ هزار تومان به حقوق بنده اضافه کرد. یک نفر از کار افتاده توان بیمه پردازی را نداشته و بنا به قانون باید معادل ۳۰۰ سال سابقه حقوق دریافت کند، حالا چطور شده برای هسان سازی فقط ۱۵۰ هزار تومان به او می دهند! از اول سال تاکنون فقط دو برابر این مبلغ، قیمت داروهای گران شده، داروهایی که تحت پوشش هیچ بیمه ای نیست. اصلا سازمان به فکر این قشر ضعیف هست؟ من با بیماری صعب العلاج جسمی حرکتی شدید ۸ سال است در بستر افتاده ام و زخم بستر گرفته ام. حتی توان خریدن یک تشک طبی را ندارم. لطفا طرح هسان سازی را طبق قانون برای بازماندگان و از کار افتادگان اجرا کنید.

شرکت برق

محمد اوسو) در شهرک رجبی، پورسینا ۲۳، بین حشمتی ۲۰۲، تیر چراغ برق در عرض معبر قرار گرفته و عبور و مرور را با اختلال مواجه کرده است. لطفا این تیر چراغ برق را از راه اصلی به جای بهتری انتقال دهید که در معبر رفت و آمد ماشین ها نباشد.

سهام عدالت

شهروند) کارگزاری مفید چرا پول سهام را واریز نمی کند؟ الان بیشتر از یک ماه شده. تا کی باید منتظر باشیم؟ گران بشود، ارزان بشود، به ما چه؟ وقتی پول را واریز نمی کنند چه تاثیری دارد؟ مردم را دق مرگ کردند. این قدر مردم را سر کار نگذارید.

آراد) من ۱۳ خرداد سهام را در بانک ملت فروختم و هنوز هیچی برابرم واریز نشده است. تا حالا حدود ۱۶ هزار تومان گرفته ام. یکی نیست حداقل یک جواب درست و حسابی بدهد به مردم. می روی بانک اصلا جواب سلام آدم را نمی دهند، چه برسد به اینکه راهنمایی کنند. اگه مردم لازم نداشتند، این همه عجله نمی کردند.

متفرقه

نسرین ابادریان) کشاورزی می گفت دلیل خرابی محصولات کشاورزی، خاک است که با سم پاشی های بی رویه، نامرغوب شده و بذرها هم که خوب نیستند. قدیم که همه چیز از گانیک بود، میوه و سبزیجات خوش طعم و خوش عطری داشتیم. سرطان هم نبود. **نوری)** مشکل کشور ما اینجاست که برخی مدیران ارشد آن گویا از مصونیت قانونی مادام العمر برخوردارند و به همین دلیل ملت خواهان خواه باید تبعیض را تحمل کند.

پرده های اتوبوس ها بازدید و نظافت می شود

شهروند) پرده های اتوبوس های خط ۳۷/۱ مفتح فلسطین کثیف و سیاه شده خواهشمندم جهت جمع آوری و شستشوی آن ها پیگیری فرمایید.

سازمان اتوبوس رانی) به اطلاع شهروند محترم می رساند هماهنگی لازم با عوامل انتظامات سازمان جهت بررسی تمام ناوگان خط ۳۷/۱ انجام گردید. تا در صورت مشاهده موضوع مورد اشاره شهروند محترم نظافت انجام پذیرد.

پذیرش اشتراک

روزنامه شهرآرا

عدد ۱۰۰ را به شماره ۳۰۰۰۰۷۲۸۹ ارسال فرمایید

شهرآرا

روزنامه شهرآرا
روزنامه

شنبه

۱۳۹۱
۱۲ شهریور
۱۳۹۱
شماره ۲۲۷

۰۴

SHAHRARANEWS.IR

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

۰۴

محدثه شوشتری

m.shushtari@shahraranews.ir

ما همیشه جنگیده ایم؛ یک روز برای زنده ماندن در وطن؛ یک روز برای دل کندن از وطن؛ روزی برای پناه آوردن به وطن؛ روزی از وطن؛ روزی دیگر برای یک اینجا و دور از وطن؛ حالا جنگ با کرونا. این میدان جنگ جدید ما مهاجران است. جنگی در میدانی که او می تازد و ما با دست های خالی می خواهیم درمان بمانیم. نه پولی برای گذران زندگی داریم، نه بازار کاری است که دلخوش به آن باشیم. وسط این میدان، کرونا اما نه به جیب ما کار دارد و نه شکم ما. شاید بتوانیم بگوییم این واپسین جنگ ما مهاجران است.

رخشان، این ها را از پشت چرخ خیاطی کیف دوزی اش در «شلوغ بازار» گلشهر برایمان می گوید؛ شلوغ بازار همان راسته بازار معروف در گلشهر، محل اصلی رفت و آمد مهاجران افغانستانی است. چهره ها در راسته شلوغ بازار هم پشت ماسک ها پنهان شده اند. از آن شلوغی قدیم که شانه به شانه آدم ها باید از بازار رد می شدی، دیگر خبری نیست. با به هر مغازه که می گذاریم، حرف از اوضاع خراب بازار است و دود و تا چهار تایی که با زندگی مهاجران در ایام کرونا سازگار نیست و حرف از اینکه درد کرونا اگرچه مشترک است، رنجش بین ایرانی و غیر ایرانی یکی نیست.

خیابان های گلشهر هم هر چند هنوز خلوت نیستند و رفت و آمدها بیشتر از روند شناسایی و ثبت آمارهای مبتلایان به کرونا، حرف و حدیث های فراوانی در بین تمام شهروندان و آحاد جامعه به دنبال داشته است. این حواشی در بین جامعه مهاجران پر رنگ تر بوده است، تاجایی که اعلام شد ایران، آمار مهاجران مبتلا به کرونا را نمی خواهد اعلام کند یا اینکه معلوم نیست در جامعه مهاجران چه تعداد بر اثر تبعیض بین بیماران ایرانی و غیر ایرانی از خدمات بستری و درمان محروم مانده اند، با این حال برپایه این مبنای علمی که اگر قرار است یک بیماری ویروسی و همه گیر در جامعه ای کنترل شود، بدیهی است که هویت افراد ملاک نیست و کمک به راهی همه جمعیت هر خدمات بستری و درمان محروم مانده اند، با این مواجهه بخش بهداشت و درمان با مهاجران به قوت خود باقی است.

در همین زمینه آمارهای مربوط به جامعه مهاجران افغانستانی ساکن در مشهد درباره غربالگری و ابتلای آن ها به کرونا را از مدیر پیشگیری و مبارزه با بیماری های معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد جویا می شویم. دکتر محمدجعفر صادقی در گفت و گو با شهرآرا،



هر جای شهر به چشم می آید، مهاجران ساکن در این شهرک نگران اند. آن ها این شهرک را مثل خاک خود می دانند؛ سرزمینی کوچک، آرام و بی حاشیه که شاید اسم رسمی اش گلشهر باشد اما به «کابل شهر ایران» معروف شده است. برای روایت روزهای کرونایی مهاجران به این شهرک و میانه شلوغ بازار آمده ایم.

رنج مضاعف کرونا برای مهاجران رخشان از انده روزهای کرونایی می گوید و روزهایی که او از پشت ماسک سه لایه، پرده مغازه خیاطی اش را کنار می زند و چشم می کشد در «شلوغ بازار» اما خبری از مشتری نمی شود. رخشان می گوید: وقتی کرونا آمد، با خودم گفتم

این شاید جنگ آخر باشد. دیگر توانی برای جنگیدن و زنده ماندن ندارم. ۱۷ سال پیش، همان روزی که پدر و برادرم را سر بردند، دیگر افغانستان برایم جای ماندن نبود. از جنگ خسته بودیم و دل کندیم از خاک آبا و اجدادی مان. با همسر و سه بچه قدونیم قدم پناه آوردیم به مشهد. آن روزها برای ماندنمان در اینجا جنگیدیم. چند بار می خواستند ما را عودت بدهند (طرح بازگشت مهاجران غیر مجاز) اما خدا خواست تا با درست شدن کارت آمایش و دیگر مدارک، بگذارند زیر سایه امام رضا(ع) بچه هایم را بزرگ کنم. سه فرزند دیگر را هم در مشهد به دنیا آوردم که اصلا افغانستان را ندیده و تا چشم باز کرده اند در این شهر بوده اند. تمام این ۱۷ سال را شوهرم سرگذر رفته به کارگری و خودم

مصائب مضاعف کرونا برای مهاجران افغان

روایت شهرآرا از روزهای کرونایی مهاجران افغانستانی در گلشهر مشهد

پای چرخ کیف دوزی نشسته ام. از موقعی که کرونا آمد، نه از بازار کار شوهرم خبری بوده و نه بازار کیف دوزی خودم. بازار اصلا رونق قبل را ندارد. سفارش ها خیلی کم شده. هر سال نزدیک فصل مدرسه، چند هزار کیف می دوختم اما امسال انگار کسی در ایام کرونا دنبال کیف مدرسه نبود.

رخشان همین پاییز که بیاید، پنجاه ساله می شود اما نمی داند دهه ۵۰ زندگی اش با جیب خالی و ترس از بیماری کرونا و آینده فرزندانش چه خواهد شد. هر روز به داستان همسایه دیوار به دیوار خانه اش فکر می کند که یک ماه در بستر بیماری افتاده بود اما حتی

۱۰ هزار تومان پول کرایه تا رفتن به دکتر و آزمایشگاه را نداشت، چه برسد به هزینه های دیگر. همسایه ها شنیده بودند که همه علائم کرونا را دارد اما پول ندارد و گوشه خانه افتاده است. شب ها پشت در خانه، یک بشقاب غذا در ظرف یک بار مصرف می گذاشتند و رنگ در خانه را می زدند و منتظر باز شدن در نمی ماندند تا نکند کرونا بگیرند. همین قدر کار از دستشان برای هبوطشان برمی آمد. رخشان می گوید: هنوز هم ناهید، زن همسایه، خوب نشده و وقتی کوچه سوت و کور است، صدای سرفه هایش تا پشت در خانه اش می آید. شاید اگر او یک مهاجر نبوده، در این حال روز رها نمی شد.

از مغازه کیف دوزی رخشان، به سمت پایین بازار می رویم. بیشتر مغازه داران شلوغ بازار از کساد بازار می گویند و ترس از کرونایی که اگر مبتلا

شوند، دردشان یکی دوتا نخواهد بود. بهمن، مغازه پوشاک دارد و این روزها به قول خودش اگر روزی یک پیراهن هم بفروشد، روز خوب اوست. بهمن کرونا و درد مهاجران را فقط در یک جمله بر زبان می آورد: شاید درد یکی باشد اما رنج یکی نیست و برای ما مهاجران مضاعف است.

۵ بیمارستان رقتیم اما پذیرش نکردند بهمن جوان است و هنوز آرزوهای بسیاری برای خودش دارد. او هم مثل خیلی از جوانان ساکن مشهد، افغانستان را ندیده. وقتی می گویم «دوست نداری روزی در کابل زندگی کنی؟»، می خندد و می گوید: کابل ما همین جاست؛ اینجا کابل شهر ایران است.

پدر بهمن دو ماه پیش به کرونا مبتلا شده و خوب نشده اما تجربه آن روزها برای خانواده بهمن، چیزی متفاوت از ۲۰ سال حضورشان در مشهد بوده است.

یک کارشناس مسئول حوزه بهداشت می گوید: پیشگیری و درمان، ایرانی و غیر ایرانی نمی شناسد

۵۵۱ افغانستانی مبتلا به کرونا تا کنون در مشهد شناسایی شده اند

می افزاید: از آنجایی که بیشتر اتباع افغانستانی مشهد، در مناطق حاشیه شهر ساکن هستند، تمرکز معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی در طرح های غربالگری بیشتر بر حاشیه شهر بوده است و اتباع افغانستانی نیز در کنار سایر حاشیه نشینان از این خدمات بهره مند شده اند که خدمات غربالگری و نمونه گیری برای اتباع افغانستانی مشکوک به کرونا، کاملا رایگان بوده است. وی با تاکید بر اینکه در تمام مراکز درمانی، اتباع افغانستانی مانند سایر افراد می توانند از خدمات استفاده کنند، می گوید: دو مرکز نیز به طور ویژه به اتباع خدمات می دهند. یکی مرکز خدمات جامع سلامت امیرالمومنین (ع) و دیگری پایگاه فضیلت از توابع مراکز بهداشت شهرستان مشهد. همچنین پایگاه تردد مرزی کمیساریا در تایباد و اردوگاه سفیدسنگ فریمان به صورت ثابت، خدمات مربوط به کرونا را برای اتباع افغانستانی انجام می دهند.

صادقی در پایان سخنانش به اتباع افغانستانی تاکید می کند: هیچ درمان قطعی برای کرونا وجود ندارد، فقط پیشگیری می تواند به سلامت همه ساکنان مشهد چه ایرانی و چه افغانستانی کمک کند، لذا از تمام اتباع می خواهیم که پابند به دستورالعمل های بهداشتی باشند.

ناشناخته هستند. در تمام دنیا هم به همین شکل است و هیچ کشوری نمی تواند ادعا کند که تمام بیماران کرونایی خود را شناسایی کرده است. حال اینکه هویت و ملیت افراد چه باشد، ملاک علمی نیست و قطعا سلامت جامعه و کمک به جلوگیری از وضعیت تشدید بیماری است که برای بخش بهداشت و درمان اهمیت دارد.

تفاوت و تبعیضی قائل نشدیم وی درباره این انتقاد که گفته می شود مراکز دولتی، بیماران مهاجر را به سختی برای بستری می پذیرند اما با سایر بیماران به این صورت برخورد نمی کنند، توضیح می دهد: توصیه ما به بیماران کرونایی خفیف، همواره قرنطینه خانگی بوده است و فقط بیمارانی که نیاز به بستری دارند، باید در بیمارستان ها درمان شوند. برخی، از این مسئله این طور تعبیر می کنند که چرا فلان مرکز، بیمار ما را بستری نمی کند، در صورتی که قرنطینه خانگی نسخه بهتری برای درمان بیماران سرپایی کروناست. لذا خدمات بهداشتی و درمانی مرتبط با بیماری کرونا در مشهد برای اتباع افغانستانی، بدون هیچ تفاوتی با سایر بیماران ارائه می شود.

دکتر صادقی به بحث حاشیه نشینی بیشتر اتباع افغانستانی ساکن مشهد هم اشاره می کند و

اعلام می کند: پیشگیری و درمان برای حفظ سلامتی کل یک جامعه، ایرانی و غیر ایرانی نمی شناسد و بخش درمان با همین اصل در ایام کرونا خدمت رسانی کرده است. در این مدت، سه مر حله غربالگری از اتباع افغانستانی در مشهد انجام شده است. در مرحله اول ۲۷۱ هزار و ۷۱۹ نفر و در مرحله دوم که بیشتر جامعه هدف با بیماری های زمینه ای نظیر دیابت، سرطان و بیماری های قلبی مدنظر بود، ۲۴ هزار و ۶۷۱ تبعه افغانستانی غربالگری شدند و در سومین مرحله غربالگری که هنوز به اتمام نرسیده است، تاکنون ۲۳ هزار و ۹۱۱ تبعه افغانستانی غربالگری ویژه کرونا شده اند. به گفته وی، در نتیجه این غربالگری ها از ۲ هزار و ۴ نفر که مشکوک به کرونا بودند و علائم داشتند، نمونه آزمایشگاهی گرفته شد. در مجموع در این سه مرحله، تعداد بیماران کرونایی ثبت شده اتباع افغانستانی به ۵۵۱ نفر رسید. وی در عین حال به آمار فوتی های ناشی از کرونا در بین مهاجران اشاره ای نکرد.

این مقام مسئول در دانشگاه علوم پزشکی مشهد با تاکید بر اینکه شناسایی نشدن تمام بیماران کرونایی در یک جامعه، به معنی تبعیض نیست، می گوید: تعداد زیادی از افراد مبتلا به ویروس کرونا به دلیل شرایط این بیماری،

فو تو شهر

این میدان جنگ جدید مهاجران افغانستانی است. جنگ در میدانی که او می تازد و مهاجران به دست های خالی می خواهند درمان بمانند. نه پولی برای گذران زندگی دارند، نه بازار کاری است که دلخوش به آن باشند. وسط این میدان، کرونا اما نه به جیب مهاجران کاردارد و نه شکم آن ها. شاید بتوانیم بگوییم این واپسین جنگ مهاجران است.

عکس: احمد حسنی | شهرآرا



بهمن انگار از مرگ پدر حرف می زند، آن قدر که تا پای جان دادن پدر را بر اثر کرونا دیده است؛ دو هفته افتادن پدر در بستر بیماری و نفس هایی که اول به شماره می افتند و بعد نفس کشیدن آن قدر سخت می شود که به نفس تنگی می افتد. نصف شب پدرش را به ۵ بیمارستان مختلف مشهد می برند اما هیچ کدام پذیرش نمی کنند و هر کدام به بیمارستان دیگری پاس می دهند. دست آخر آن ها نگران از دست رفتن پدر، او را به یکی از بیمارستان های خصوصی مشهد می برند. دو هفته دیگر پدر در بیمارستان از کرونا درد می کشد و وقتی هم مرخص می شود، هنوز حالش مثل همیشه نبوده است. ۸ میلیون تومان هزینه بیمارستان پدر بهمن می شود. هر چند در این سال ها آن ها یک خانه کوچک ۶۰ متری نزدیک شلوغ بازار خریدند و درآمد بخورنمیری داشتند، برای ۸ میلیون تومان پول نقد اندوختگی

